

با ته کشیدن ذخایر نفتی چین و تقاضای سنگین شرق آسیا
قیمت نفت سعودی شد

بازگشت اژدها به بازار نفت

شنبه ۴ مهر ۱۴۰۵ | ۱۴ دییج‌الانلی ۱۴۴۸ | ۳۶ سپتامبر ۲۰۲۴ | سال هجدهم | شماره ۴۷۱۸ | ۴ صفحه | ۲۰ هزار تومان

صفحه ۴

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

۱۹۲۲ سال و ۳۶ روز گذشت |

رزمایش ۴۰ هزار موتورسوار از میدان امام حسین^(ع) تا میدان آزادی پایتخت

تهران جان فدا

فرمانده سپاه محمد رسول‌الله^(ص) تهران بزرگ در گفت‌وگو با «وطن امروز»:
جهان دیداراده ملت ایران چگونه ترامپ‌را به زانو در آورد

صفحه ۲

VATAN-E-EMROOZ | VOL.18 | NO.4718 | SAT.SEP.26,2026 | ISSN:2008-2886

تحلیل قابل تأمل هفته‌نامه اکونومیست از پیامدهای جنگ تحمیلی ۴۰ روزه
پایان نظم آمریکایی در غرب آسیا و افزایش قدرت ایران
در تعیین معادلات منطقه

خاورمیانه پسا آمریکایی



صفحه ۲

تیتراهای امروز



سرپرست نیروی دریایی آمریکا
از اقدام به خودکشی ۸ نظامی ناو ابراهام لینکلن
در جریان جنگ علیه ایران خبر داد

خودکشی از ترس مرگ!

صفحه ۳

سخنرانی نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی
در مجمع عمومی سازمان ملل با هو کردن
و خروج گسترده هیات‌های نمایندگی مواجه شد

فضاحت نتانیاهاو!

صفحه ۳

گزارش «وطن امروز» از اعترافات اخیر دن کین
و خوانش قدرت ایران

اعتراف‌نامه یک

امپراتوری خسته

صفحه ۴

اگر مقاومت ادامه یابد

کشور چگونه اداره خواهد شد؟

جنگ، نظم تازه می‌سازد

نگاه

رضا باقری‌پور

اگر بین تسلیم و مقاومت، انتخاب مقاومت باشد، احتمالاً پرسش ساده پس از آن این است: حال کشور را چگونه باید اداره کرد؟ بخش قابل توجهی از ادبیاتی که امروز تحت عنوان «حکمرانی در جنگ» یا «اقتصاد در شرایط جنگ» عرضه می‌شود، چیزی بیش از توصیه‌های متعارف حکمرانی خوب نیست که صرفاً روشی از واژگان جنگی بر تن کرده‌اند. اصلاح ساختار بانکی، تسهیل صدور مجوز کسب‌وکار، شفاف‌سازی مقررات، چابک‌سازی بروکراسی، حذف موازی‌کاری‌ها و بهبود فضای کسب‌وکار، همه توصیه‌هایی ارزشمندند اما ارزش‌شان از جنس دیگری است و ربط ذاتی به وضعیت جنگ ندارد. همان کارشناسانی که این فهرست را امروز با پیششوند و پسوند «در دوران جنگ» عرضه می‌کنند، می‌توانستند دقیقاً همین فهرست را در روزگار صلح و ثبات نیز ارائه کنند، بی‌آنکه یک کلمه از آن تغییر کند. این امر تصادفی نیست، بلکه نشان‌دهنده محدودیت معرفتی رویکردی است که جنگ را صرفاً «بحران» یا «اختلال» در نظم موجود می‌بیند، نه رویدادی که خود نظم و واقعیت تازه‌ای می‌آفریند.

بدتر از آن، اضطراب جنگ گاه به ابزاری برای پیشبرد دستور کارهایی تبدیل می‌شود که در شرایط عادی با مقاومت بیشتری روبه‌رو بودند. طاعون بازار آزاد در اقتصاد و سکولاریته در اجتماع، انفراز فضای اضطرابی جنگ بیشترین بهره‌ر ابرای تأثیرگذاری بر دستور کار تصمیم‌گیری می‌برد، در چنین فضایی، برخی نسخه‌های بظاهر «عمل‌گرایانه» حکمرانی جنگ، نه تنها راه‌حل نیستند، بلکه می‌توانند ویران‌کننده‌تر از خود جنگ باشند، زیرا اولویت‌های وجودی و هویتی را به پای ملاحظات تکنوکراتیک کوتاه‌مدت قربانی می‌کنند.

■ جنگ به مثابه رویداد مولد، نه بحران

قابل‌برنامه‌ریزی

حکمرانی در جنگ، از حیث معرفتی، به داشتن یک چراغ‌قوه در دل تاریکی شبیه‌تر است تا داشتن نقشه‌ای از پیش ترسیم‌شده. چراغ‌قوه تنها ۲ متر جلوتر را روشن می‌کند؛ برای دیدن ۲ متر بعد، هیچ راهی جز طی همان ۲ متر روشن‌شده وجود ندارد. نمی‌توان از فاصله امن بیرون از تاریکی، مسیر ۱۰ متر جلوتر را ترسیم کرد و آن را «برنامه جامع حکمرانی جنگ» نامید و اگر چنین برنامه‌ای را نتوانستیم ترسیم کنیم، این نتیجه را بگیریم که برای جنگیدن برنامه‌ای وجود ندارد و باید به چیزی جز مقاومت فکر کرد.

ادامه در صفحه ۲

قدرت چگونه زبان دیپلماسی را تغییر می‌دهد؟

درس پکن برای تهران

چین فاصله گرفته است. این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت: جنگ علیه ایران فقط محاسبات تهران و واشنگتن را تغییر نداده؛ در طرف سوم این معادله یعنی پکن نیز ادراک تازه‌ای از توازن قدرت شکل گرفته است. امروز ترامپ، ترامپ یک سال پیش نیست؛ آمریکا پس از ۷ ماه درگیری با ایران، نتوانسته به موفقیت برسد و با هزینه‌های نظامی، فشارهای انرژی و پیامدهای اقتصادی ناشی از جنگ روبه‌رو شده است. ارزیابی‌های منتشرشده در آمریکا نیز از آن حکایت دارد جنگ ایران به چین فرصت داده ضعف‌ها و محدودیت‌های قدرت آمریکا را از نزدیک مشاهده کند و در حوزه‌های نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک دست بالاتری به دست آورد. در واقع، ایران با وارد کردن آمریکا به تحمل هزینه‌های یک جنگ فرسایشی، به چین نشان داد فاصله میان «قدرت اسمی» آمریکا و «قدرت قابل اعمال» آن، دست‌کم در برخی عرصه‌ها، آنقدر کم پکن تصور می‌کرد، کم نیست. این تجربه برای پرورنده ایران نیز از یک جهت قابل تأمل است، البته نه به این معنا که ایران و چین را بتوان از هر حیث با یکدیگر مقایسه کرد. تفاوت اندازه اقتصاد، ظرفیت صنعتی، جایگاه جهانی و ساختار روابط خارجی ۲ کشور بسیار زیاد است اما یک قاعده عمومی در چانه‌زنی وجود دارد: «براز اشتیاق به مذاکره، قدرت چانه‌زنی ایجاد نمی‌کند».

مذاکره وقتی مؤثر است که طرف مقابل هزینه نپذیرفتن آن را هم محاسبه کند. این همان نقطه‌ای است که در بحث سیاست خارجی ایران اهمیت می‌یابد. گاهی در داخل کشور چنین تصور می‌شود که برای رسیدن به مذاکره باید پیشاپیش نشان دهیم به مذاکره نیازمندیم، مشکلات ماحدی است، تاب‌آوری‌مان محدود

است و حاضر به دادن امتیاز هستیم! اما از منظر نظریه چانه‌زنی، این نوع پیام‌رسانی لزوماً به شکل‌گیری توافق منجر نمی‌شود. مذاکره زمانی معنا دارد که ۲ طرف، هم منافع توافق و هم هزینه عدم توافق را محاسبه کنند. اگر توافق است، ارزش امتیازهای خود را بالاتر می‌برد، به زبان ساده‌تر: اگر منافع مذاکره برای یکی از طرفین ضروری باشد، دسترسی به آن دشوارتر می‌شود.

اگر ایران بتواند نشان دهد در برابر فشار، ظرفیت ادامه مسیر، تحمل هزینه، پیدا کردن گزینه‌های جایگزین و ایجاد هزینه متقابل را دارد، محاسبه طرف مقابل تغییر می‌کند.

از این منظر، بحث اصلی در ایران نیز نباید «مذاکره یا مقاومت» باشد؛ این دو الزاماً متضاد نیستند. مساله، «نسبت قدرت و مذاکره» است. مذاکره هنگامی معنا می‌یابد که پشت آن ظرفیت ملی، تاب‌آوری اقتصادی، انسجام داخلی، توان دفاعی، دیپلماسی فعال و گزینه‌های جایگزین وجود داشته باشد. در فضای سیاسی و رسانه‌ای ایران، ۲ الگوی متفاوت در قبال این مساله دیده می‌شود.

روابط خارجی را دارد. بنابراین مذاکره برای تهران یک

مذاکره از یک رابطه متقابل به رابطه‌ای نامتقارن نزدیک می‌شود؛ در نتیجه، طرف مقابل انگیزه بیشتری برای افزایش مطالبات پیدا می‌کند. ماجرای سخنان اخیر یکی از مسؤولان دولتی درباره مشکلات تأمین مواد اولیه دارویی و نحوه انتقال آن از هند که در رسانه‌ها بازتاب یافت، از همین منظر قابل تأمل است. آن سخنان، به‌وضوح پیام ضعف به ناظران خارجی ارسال و توافق را نیاز ضروری ایران معرفی کرد. بنابراین اگر قرار است از تجربه پکن برای تهران درسی استخراج شود، آن درس لزوماً کنار گذاشتن گفت‌وگو نیست. درس اصلی، تفکیک «مذاکره» از «وابستگی به مذاکره» است. کشوری که گفت‌وگو می‌کند اما همزمان ظرفیت مقاومت، تاب‌آوری و انتخاب‌های جایگزین خود را حفظ می‌کند، با کشوری که تمام امید خود را به توافق گره زده و برای رسیدن به آن مرتباً از محدودیت‌ها و آسیب‌پذیری‌هایش سخن می‌گوید، در یک موقعیت چانه‌زنی قرار ندارد.

اگر افرادی در ایران مذاکره می‌خواهند، نباید ناشیانه تلاش کنند آمریکا را متقاعد کنند. ایران به مذاکره «بیار» دارد، بلکه آنها باید تمام تلاش خود را به کار گیرند که به آمریکا بفهمانند ایران، علاوه بر مذاکره، گزینه‌های دیگری هم دارد. این مهم‌ترین اقدامی بود که آقای پزشکیان در سخنرانی سازمان ملل انجام داد و الگویی برای سایر کارگزاران دولت است.

باید این واقعیت دیپلماسی را باور کرد که در سیاست بین‌الملل، احترام دیپلماتیک و امکان توافق اغلب فقط از «براز تمایل به گفت‌وگو» نمی‌آید، بلکه با «ظرفیت ایجاد اهرم قدرت»، «تاب‌آوری ملی» و «کاهش آسیب‌پذیری» ساخته می‌شود.